

اخبار نمایش

جشنواره نمایش های آیینی و سنتی در کاشان آغاز شد



شامگاه یکشنبه ۲۰ مرداد ماه و همزمان با شب عید سعید قربان جشنواره نوزدهم نمایش های آیینی و سنتی در خانه طباطبایی های کاشان با حضور جمعی از مدیران هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیران کاشان و اصفهان و مردم شهر کاشان افتتاح شد.مراسم با تأخیر ۴۵ دقیقه‌ای و با اجرای اردشیر صالح پور بر گزار شد.

بخشی حسین والی نژاد در این مراسم یک اجرای بحر طویل و غدير خوانی داشت و داود داداشی و علی فتحعلی یک قطعه سیاه بازی در ایوان بزرگ خانه طباطبایی اجرا کردند.

در بخش سخنرانی ها داود فتحعلی بیگی گزارشی کوتاه بر گزرای جشنواره را نه داد و نگاهی به تفاوت هارقم خورده پس از پیروزی انقلاب به این نوع از هنرهای نمایشی داشت.ابریشمی راد،شهردار کاشان هم در سخنانی خواهان پر رنگ تر شدن این جشنواره در شهر کاشان شد.



نمایشنامه از پیام لاریان به بازار آمد



«شرایط نامطبوع حیات یک گیاه کمیاب در فردگاه سی دی،دی،جی» و «و چوند داستان دیگر» دو نمایشنامه پیام لاریان توسط نشر آواز در یک جلد منتشر شدند

نمایشنامه «و چوند داستان دیگر» پیش از این در مسابقه صحنه ایران در سی و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به عنوان نمایش برگزیده معرفی شده بود.

این کتاب هم اکنون در ۹۰ صفحه در دسترس علاقه‌مندان به کتاب قرار دارد. پیام لاریان از نویسندگان جوان شاخص تئاتر ایران است که در سه دوره اخیر جشنواره تئاتر فجر موفق به دریافت پیاپی جوایز نمایشنامه نویسی شده است. «پروانه های الجزایری» این نویسنده چندی پیش در تماشاخانه هامون و به کارگردانی سعید حسلوروی صحنه رفته بود.



جایزه «جلال ستاری» به بهرام بیضایی اهدا شد

مراسم اختتامیه هفتمین سمینار بین المللی نمایش های آیینی و سنتی عصر یکشنبه ۲۰ مردامه بعد از پایان ارایه مقالات مختلف برپا شد که طی ۲ روز گذشته در سالن شهرداری شهر قمصر برگزار شده بود.

در این مراسم جایزه «جلال ستاری» به محمدرضا اصلائی، بهرام بیضایی، آنتونیو سالرنو و محمدحسین ناصر بخت، چهار پژوهشگر حوزه نمایش های آیینی وسنتی تعلق گرفت. حمیدرضااردلان، دبیر بخش سمینار جشنواره درباره تاثیر جلال ستاری بر فرهنگ و هنر کشور بیان کرد: «فرهنگ ما از طریق جلال ستاری با بسیاری از متفکرین جهان آشنا شد.وی چند کار مهم انجام داده است که اولینش این بود که اسطوره را به زبان فارسی برای ما توضیح داد.وی همچنین حدود ۱۰۰ جلد کتاب درباره فلسفه، زیبایی شناسی، پدیدارشناسی، نشانه شناسی و ... تدوین کرده است.»

در پیام ستاری آمده بود: «توسعه فرهنگ با شناخت سنت ها و آیین هایبی است که پایگاه اندیشه دوستداران فرهنگ وموردا احترام مردم است.از همه شما سپاسگزارم که برای این مهم تلاش می کنیدو آرزوی موفقیت بیشتر شمارا دارم.»

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

toseeirani.ir

جهت گیری سیاسی دوطرف می شودو این در حالی است که سیاه «به عنوان نماد عموم مردم» زیر شکنجه پوستش سفید می شوددر نهایت رخت مرگ بر تن می کند.

در این نمایش که به نظر خوانشی هگلی از متن ساموئل بکت است، دو سیاستمدار جایگزین ولادیمیر و استراگون شده اند. دو شخصیتی که منتقدان آنان را نماد طبقه متوسط دوران می دانند. طبقه ای که تنها حرف می زند و عملی ندارد. انفعال این طبقه منجر به آن می شود که طبقات فرودست همواره علیه طبقه فرادست قیام کند و این طبقه میانی صرفاً نظاره گرو ثابت کنندو ویدادها باشد. در اثر حسین کیانی نیز سیاستمداران دم تیغ فقط حرف می زنند و می خواهند خود را نجات دهند و در این بین سیاه رانیز قضاوت می کنند؛ اما در نهایت این سیاه «جایگزین شخصیت لاکي» است که به سبب رک گویی و صراحت در کلام به مرگ محکوم می شود.

نمایش قرار است برای ریشه یافتن در نمایش های ایرانی، از سیاه استفاده کند. روشی که پیشتر هم حمید امجد در خوانشش از «سه خواهر» خجوف بهره برده بود و با کمی جستجوی توان نمونه های دیگرش رانیز یافت. استفاده از تکنیک هارای رسیدن به یک خوانش نو که در آن سیاه نمادی از طبقه فرودست جامعه می شود. چیزی است که پیشتر هم بهرام بیضایی بدان اشاره کرده است.

او گفته است سیاه بودن شخصیت سیاه یا مبارک یک نمود نژادی نیست؛ بلکه وجه اجتماعی طبقه ای است که زبر بار آن بر جامعه ایرانی رو جستجو کرد. این نگرش حسین کیانی به تاریخ شاید به نحوی یادآور نوشتار نمایشنامه نویسان اولیه تئاتر ایران باشد. جایی که مشروطه خواهانی چون تبریزی، عشقی و... برای نقد وضعیت جامعه استبدادی، رویکردی نمایشی را بر می گزینند. در این دوره بیشتر آثار کمدی بابار آموزشی است. آثار همواره مخاطب ایرانی راناگاه نسبت به وضعیت روز کشور بر می شرد و از آنان می خواهد به جریان مشروطه بپیوندند.

با این حال نوشتار حسین کیانی صرفاً از زبان آن دوره بهره می برد و به هیچ عنوان چندان وفادار به فرم و ساختار آن متون نیست. «مضحکه میر غضب» یک نسخه پارودیک «در انتظار گودو» است. دو سیاستمدار، یکی مشروطه خواه و دیگری استبداد طلب قرار است در باغشاه توسط میر غضب معدوم شوند؛ اما میر غضب نمی آید و این نایمدرن موجب



حسان زبور عالم

این دست آثار در متون مولیر است. حتی حسن مقدم در نمایشنامه «جعفر خان از فرنگ بازگشته است» با یادآوری مولیر، به این طنز فرانسوی عرض ارادت می کند.

پس این پرسش پدید می آید که اساساً نمایش ایرانی چیست؟ آیا نوشتاری که نویسنده ای ایرانی دارد را می شود نمایش ایرانی نامید؟ آیا تاریخی شدن یک متن دال بر ایرانی بودن آن می شود؟ آیا اشاراتی به سنت ها و رسوم گذشته ای می تواند تضمینی بر ایرانی بودن یانبودن آن شود؟ چرا در تمام این سال ها مدل های متأثر از بکت و پینتر و ... نمایش ایرانی به حساب نیامده اند؟

آیا اشکال پست مدرنیستی نمایش که تعزه و به سیاه بازی را دست مایه اجرایی به شدت مدرنیستی کرده اند نیز نمایش ایرانی باید به حساب آورد؟ واقعیت این است که بی پشتوانه بودن عبارت «نمایش ایرانی» به قدری است که نمی تواند به این پرسش ها پاسخ دهد. شاید تنها بدین مسأله پافشاری کرد که نمایش ایرانی، اثری است برآمده از سنت هایی چون سیاه بازی و شبیه خوانی، اما آیا متون بهرام بیضایی شبیه خوانی است؟ یا آنکه به سبب رابطه زبانش با گذشته نمایش ایرانی به حساب می آید؟ پاسخی برایش نمی یابیم؛ اما در هفته هایی که گذشت دو نمایش در تهران روی صحنه می روند که خود را نمایش ایرانی بر می شمرند. با توجه به آغاز جشنواره نمایش های آیینی وسنتی، بهتر است نگاهی به ابعاد این دو اثر بیاندازیم.

در انتظار میر غضب

حسین کیانی یکی از چهره های شاخص نمایشنامه نویسی منسوب به ایرانی اوست. او که از دهه هفتاد

باز آفرینی آنچه نمایش ایرانی می نامیم همواره برای بخشی از بدنه تئاتری ایران اهمیت داشته است؛ اما به سبب شکاف تاریخی این باز آفرینی دستخوش مشکلات بسیاری بوده است. این مشکلات بیشتر ناشی از آن است که تاریخ مسیری روشن طی نکرده است و آنچه امروز در تماشاخانه هایی چون سنگلج رخ می دهد، بیشتر محصول خوانش متون به جا مانده است تا الگوهای مدونی که توسط کارگردانان گذشته به ما رسیده باشد.

از دورانی که میرزا فتحعلی آخوندزاده نمایشنامه نویسی غربی را وارد ساختار فرهنگی ایران کرد و میرزا آقا تبریزی نخستین نمایشنامه های مدرن را به زبان فارسی نگاشت، کسی به صرافت نوشتن تاریخ نمایش ایران نمی افتد. تا زمان نگاشته شدن «همایش در ایران» بهرام بیضایی، تاریخ نمایش ایران گنگ و مبهم است. کسی درباره رابطه گونه های نمایشی ایرانی و تئاتر مدرن چیزی نمی گوید. پس اساساً یک شکاف بنیاد میان اشکال مدرن و اشکال گذشته به وجود می آید. هر دو در تضاد هم قرار می گیرند.

با این وجود به مرور زمان، نوشتار غربی زده جایگزین نوشتار تبریزی و مقدم و ... می شود. با خوانش متون مدرنیستی تئاتر در ایران، نویسندگان ایرانی به سمت نوشتاری می روند که با جهان بینی روز غرب بسیار نزدیک تر است. این فاصله گرفتن منجر به آن می شود که نوشتار نمایشنامه نویسان ایرانی به مثابه نمایش ایرانی شناخته شود. این در حالی است که ریشه اصلی

یادداشت

نگاهی به نمایش «از آدم تا آدم»

رویا، مامنی امن برای حفظ خویشتن

فازنه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

«از آدم تا آدم» نمایشی اخلاقگراست و بدلیل تاکید و توجه به رفتار انسانی، ارجحیت و اهمیتی که به فردیت می دهد، از رویکردی اخلاق گرایانه بر خوردار است. در این نمایش مخاطب شاهد تقابل و نزاع فردیت در مقابل جامعه و اجتماع است؛ نمایش «از آدم تا آدم» داستان به ظاهر ساده ای دارد و در یکی از محله های قدیمی تهران رخ می دهد؛ با وجود آنکه تیم اصلی داستان مربوط به دهه های چهل، پنجاه است، اما تماشاگر به محض آنکه پای این نمایش بنشیند، خیلی زود تفاوت زمانی را فراموش می کند و گویی در حال

تماشای قصه ایست که در همین دوران در حال جریان است.

«فرا» اسم یکی از شخصیت های اصلی نمایش دختری از طبقه متوسط است که با خانواده اش در یک محله قدیمی زندگی می کند و از راه معلمی زندگی خودش و خانواده اش را می گذراند و بار مالی خانواده را به دوش می کشد. از اینرو مخاطب قرار است حوادث و رخدادهایی که برای افراد اتفاقی می افتد را بر صحنه تئاتر مشاهده نماید و با داستان زندگی وی آشنا شود. فرا نماد طبقه متوسط، معلمی است که تنها سرمایه اش دانش و سوادش است که آن نیز برای حفظ آبرویش بکارش نمی آید؛ به عبارتی در این نمایش جامعه طبقه متوسط

زنده بماند و از زندگی بهره سیاسی برند و زمانی که مرگ را می پذیرند، قصدشان از مرگ بهره روری سیاسی است. در آثاری چون «وستاد نوروز پینه دوز» و «جعفر خان از فرنگ برگشته» جهان نمایش از فضای طبقاتی وارد بدنه عمومی مردم می شود و قصد نقد اخلاقی عمومی است. در «جعفر خان از فرنگ برگشته» غرب زدگی حاکم در طبقه تحصیل کرده مورد نقد قرار می گیرد و گسست از فرهنگ عامه مورد شماتت قرار می گیرد. هر چند حسن مقدم بی سواد ی عمومی رانیز مورد انتقاد قرار می دهد و از این مسأله غافل نمی ماند که برخی باورهای روز ریشه در خرافات دارد.

در نمایش حسین کیانی اما همه چیز دگرگون می شود. در نمایش به مردم نقدی وارد نیست و البته مردم نیز مورد شماتت قرار نمی گیرند. در تقابل میان این یسان، جایی برای جهالت عمومی قرار داده نمی شود. به یاد داشته باشیم که سیاه موجودیتی فرا آگاهی در نمایش دارد. او به عنوان تک نماد مردم، روای دهشتی است که در استخر باغ شاه رخ می دهد. حسین کیانی تنها زبان آن روزگار را به عاریه می گیرد و با وارد کردن یک سیاه به ماجرا، برای نمایش خود مشروعبیتی دست و پامی کند تا به آن نمایش، عبارت «نمایش ایرانی» اطلاق شود. در حالی که می توان در آن ریشه های پست مدرنیستی یافت. نگرش رو به گذشت پست مدرن ها که در قالب پارودی نیز متجلی می شود به خوبی در اثر حسین کیانی جا افتاده است.

اوستاد رحمت نمایش ساز

رحمت امینی در سال های اخیر اقدام به باز آفرینی متون ابتدایی نمایشنامه نویسی ایران کرده است. «وستاد نوروز پینه دوز» نوشته احمد کمال الوزاره محمودی سومین تلاش امینی است. قرار است امینی در این اجرا شکلی از نمایش های ایرانی را عرضه کند. او در اجرای خود سعی می کند



می خورند. از منظر روانشناسی می توان گفت قوه تخیل و خیالپردازی یکی از ویژگی های خاص آدمی است که بسیاری از خلاقیت ها، اختراعات، دستاوردها و... مدیون همین موهبت الهی است. از نظر روانشناسان در هر دوره ای از زندگی آدمی، خیالپردازی وجود دارد و از زمان کودکی تا پایان دوره نوجوانی تقریباً رفتاری طبیعی به حساب می آید؛ ناگفته نماند باید در نظر داشت که حتی سالم ترین افراد هم گاهی در ذهن خود خیال بافی می کنند و با صحبت کردن با خود دست به رویا پردازی می زنند که به باور بسیاری از کارشناسان امری کاملاً عادی و طبیعی محسوب می شود. چرا که تخیلات و پناه بردن به دنیای آرام رو باها، در پیجه امنی برای رهایی موقت از مشکلات تلقی می شوند.

از نظر روانشناسان هر فکر و رفتاری که به صورتی افراطی تکرار شود، سبب بروز اختلال

مظهر خشم فروخورده ای هستند که سعی در «انسان بودن» دارند، جامعه ای تلخ که در گیر با نوکیسه هایی درنده، حریص و بی رحم شده اند که طبقه متوسط را قربانی خودخواهی، غرور و امیالشان می کنند؛ امیالی که باعث به انزوافتن و گاه نابود شدن افراد معصوم جامعه منجر می شود. از اینرو با توجه به حوادثی که «فرا» نماد جامعه ای از قشر متوسط تجربه می کند دو راه بیشتر پیش رویش قرار نمی گیرد: یا باید مقابل جامعه بایستد و به مقابله با آن بپردازد، یا باید تنهایی و انزوا را انتخاب کند و به رویاهاش پناه ببرد؛ افرا ناگزیر راه دومو سکوت اختیار کردن را انتخاب می کند و به عنوان معلم شکست خورده از جامعه و جمعیتی می گریزد و به رویا پناه می برد و غرق در آن می شود.

«تنهایی انسان» و «پناه بردن به رویاها» به عنوان راهی برای فرار از واقعیت، از موضوعات بسیار مهمی هستند که در این نمایش به چشم